

مدرن گرایی و سرمایه اجتماعی خانواده
(درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده در ایران)

عالیه شکریگی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

سرشناسه: شکریگی، عالیه
عنوان و نام‌پدیدآور: مدرن‌گرایی و سرمایه اجتماعی خانواده:
(درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده در ایران)
تألیف: عالیه شکریگی، با مقدمه‌ای از محمدباقر ماروخوانی

مشخصات نشر: جامعه‌شناسان، ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۴۶-۴۱-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: خانواده، ایران، جنبه‌های جامعه‌شناختی
موضوع: سرمایه اجتماعی، ایران

شابک افزوده: ماروخوانی، محمدباقر، ۱۳۱۸، مقدمه نویس

رده بندی کنگره: ۱۳۸۸، ۴۸۴، HQ۶۱۶۷

رده بندی دیویی: ۳۰۷۸۵-۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۰۴۴۷۱

مدرن‌گرایی و سرمایه اجتماعی خانواده
تألیف: عالیه شکریگی

چاپ اول بهمن‌ماه ۱۳۹۰ تهران / تعداد ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵۰۰ تومان / لیوگرافی: رویداد چاپ: نماد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۴۶-۴۱-۵

همه حقوق چاپ نشر برای ناشر محفوظ است.

فروشگاه و نمایشگاه مرکزی:

تهران، خیابان انقلاب، رویروی درب اصلی

دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، همکف، پلاک ۳۳۳

فروشگاه جامعه‌شناسان

تلفن ۶۶۰۰۰۵۱

این اثر، مشمول قانون حمایت مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب
۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مولف
(ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۳	پیشگفتار
	فصل اول
۱۷	طرح تحقیق
۱۹	طرح مسئله
۲۵	اهداف تحقیق
۲۶	ضرورت و اهمیت تحقیق
	فصل دوم
۲۷	تجددگرایی
۲۹	پیشینه نظری مدرنیته در جهان
۳۱	پیشینه مدرنیته در ایران
۳۲	دوره قاجار
۳۷	دوره پهلوی اول
۴۰	دوره پهلوی دوم
۴۴	دوره جمهوری اسلامی
۴۹	تحقیقات داخلی
	فصل سوم
۶۳	سرمایه اجتماعی
۶۵	مبانی نظری و پژوهش‌هایی تجربی درباره ابزارها و سنجش‌های سرمایه اجتماعی
۷۰	- ابزار ارزیابی سرمایه اجتماعی (SCAT)
۷۴	نیوزلند
۷۶	استرالیا
۷۹	بریتانیا
۸۱	کانادا
۸۲	ایالات متحده

۱۰۲	جمع‌بندی و ارائه پیشنهادات.....
	فصل چهارم
۱۰۵	نگاهی به تحولات خانواده در بررسی مدرنیته و تاثیر آن بر سرمایه اجتماعی خانواده ایرانی.....
۱۱۲	نتیجه‌گیری و راهکارها.....
	فصل پنجم
۱۱۵	چارچوب نظری.....
۱۱۷	رویکرد تکاملی دیالکتیکی.....
۱۳۵	فرضیه‌های پژوهش (مدل نظری تحقیق).....
	فصل ششم
۱۳۷	روش اجرای تحقیق.....
۱۴۱	واحد تحلیل.....
۱۴۱	مفاهیم پژوهش.....
۱۴۱	تعاریف نظری و عملیاتی مفاهیم پژوهش.....
۱۴۱	ساختن مقیاس‌ها و آزمون روایی و پایایی آن‌ها.....
	فصل هفتم
۱۸۳	یافته‌های پژوهش.....
۱۸۵	- مدل‌یابی معادلات ساختاری.....
	فصل هشتم
۲۰۳	نتیجه‌گیری نهایی پژوهش مبتنی بر تحلیلی جامعه‌شناختی.....
۲۱۵	حمایت‌های اجتماعی خانواده.....
۲۱۵	شبکه‌ها.....
۲۱۵	الف) میزان مشارکت اجتماعی.....
۲۱۶	ب) میزان مشارکت مدنی (عمودی).....
۲۱۷	پ) انسجام اجتماعی (کیفیات شبکه).....
۲۱۷	ت) شبکه‌های ارتباطی خانواده.....
۲۱۸	ث) میزان مشارکت دولت در امور خانواده‌ها.....
۲۱۹	راهکارها و راهبردهای تحقیق.....
۲۱۹	- پیشنهادات.....
۲۲۰	- عناوین پیشنهادی چند پژوهش و توصیه به محققان بعدی.....

۲۲۰		پیشنهادهای اجرایی
۲۲۳		منابع
۲۳۹		ضمیمه‌ها
۲۵۱		نمایه

www.ketab.ir

مقدمه

سپاس خدایی را که بار دیگر فرصت داد تا اثری نو به بازار دانش درآید. این اثر از جهات بسیار دارای اهمیت است:

۱- خانواده و جایگاه آن

بی هیچ شبهه؛ خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی و میراث ملی و اسلامی ماست که وظیفه داریم آن را سالم و توانمند به نسل‌های بعد؛ منتقل سازیم. دین، دولت و خانواده ارکان سه‌گانه حیات تاریخی ایرانیان بوده‌اند و همواره خواهند بود. با وجود همه حوادث، هنوز هم خانواده در تشکیل شخصیت نسل بعد؛ تأثیری عمیق و بی‌رقیب دارد. همه تحقیقات نشان از آن دارند که حتی نحوه، زمان و مدت شیر دادن کودک، بر شخصیت او تأثیری پایدار برجای می‌گذارد. زمانی که مادر، کودک را در آغوش گرم و مهربان خود می‌گیرد و سر و دست او را نوازش می‌کند، این کودک در آینده انسانی عاطفی و ملایم خواهد بود.

۲- تجددگرایی و اجتناب ناپذیری

کوچک شدن جهان، همسایگی ملل دور از یکدیگر، جهانی شدن و بالاخره توسعه‌طلبی اندیشه‌های جوامع صنعتی، ورود به عصر تجدد را اجتناب ناپذیر می‌سازد. در طول تاریخ، خانواده‌ها با صدها اندیشه، سبک زندگی و شیوه‌های گذران حیات دست و پنجه نرم می‌کنند. این اندیشه‌ها نه تنها در هوای جامعه معلق‌اند، بلکه صاحبان آنان به هر طریق در صدد تحمیل این اندیشه‌ها هستند. از همین روست که می‌بینیم؛ خواستگاری که قرن‌ها، تنها شیوه همسرگزینی بود، رو به افول گذارده است. شیوه‌های نو با آهنگی تند، وارد حیات انسان‌ها می‌شوند. از این پس، باید تعریفی نو از کودک، خانواده، پدر و مادر ارائه کرد. در پرتو اندیشه‌های نو، کودک، دیگر موجودی مطیع، سرب‌زیر و منفعل نیست، خانواده نیز همان نیست که در طول قرن‌ها دیده ایم. پس نتیجه می‌گیریم، تجددگرایی، در اندیشه‌ها و سبک زندگی نمایان است. و گریزی از آن نیست. به بیان دیگر، امکان ندارد که جامعه‌ای در جهان امروز همه درهای خود را به سوی امواج نو ببندد. مهم آن است که ضمن حراست از هویت ملی؛ بدان روی آورد. تجددگرایی که نباید به مرگ فرهنگ‌های کوچک منجر شود. و اقوام و هویت قومی را نابود سازد.^۱

۳- سؤال‌های بنیادین

تعبیری که از مفهوم کشتن اقوام (Ethnocide) برمی‌آید، همین است. زمانی، سرخ‌پوستان خاکمان آمریکا بوده‌اند. مالکان اصلی سرزمین به حساب می‌آمدند و فرهنگی قوی و خاص ایجاد کرده بودند. اما یکباره سفیدپوستان آمدند و چنان کردند که امروز سرخ‌پوستان هستند. آنان زبان، مراسم فرهنگی و هویت خود را از دست داده‌اند و به نظر اقوای جهان، آمریکایی شده‌اند.

در پی دو اصل فوق، سؤال‌های اساسی کتاب مطرح می‌شوند. به نظر ما، این پرسش‌ها، در زمره اساسی‌ترین پرسش‌های جامعه‌شناختی زمان ما به حساب می‌آیند. بعضی از پرسش‌های کتاب بدین قرارند:

الف: آیا تجددگرایی، خانواده ایرانی را به‌سوی «فرد» سوق می‌دهد؟

ب: آیا گرایش به امواج فراگیر تجدد، سبب «تزلزل در روابط انسانی در خانواده» می‌شود؟ پرسشی بسیار بنیادی است و گسترش طلاق با آهنگی تند، یکی از نشانه‌های آن است. پیدایی و بسط ارتباطات محدود و ناقص در خانواده‌ها؛ نیز از دیگر شاخص‌های آن است.

ج: آیا تجددگرایی به بسط «طلاق عاطفی یا خاموش» می‌انجامد؟

همواره، تأکید بر آن بوده که خانواده پادگان نظامی نیست. واحد اداری نیست. بنابراین، ستون اساسی خانواده؛ روابط عاطفی بین اعضاست. اگر قرار شود؛ این عواطف سستی یابند، خانواده ستون استوار خود را از دست می‌دهد. اسکلتی از آن برجای ماند که از دید مسئولان نیز مکتوم باقی می‌ماند. همه تصور می‌کنند، خانواده برپاست، درحالی که عملاً درون آن «خالی» یا بهتر است بگوییم، علت وجودی خود را از دست داده است.

د: آیا در پرتو امواج تجدد، خانواده دچار انقباض کمی و کیفی، یا هر دو با هم می‌شود؟

سؤال اساسی دورکیم نیز همین بود؛ انقباض کمی به معنای کوچکی حجمی خانواده است، انقباض کیفی به معنای انفجار نقش‌های خانواده و اگر قرار شود، نقش آموزش را در خلال سنت‌های خانواده؛ ندیده بگیرند، اگر قرار شود، نقش تولید را از خانواده سلب نمایند و دیگر خانواده‌ها صرفاً واحد مصرف باشند و نه تولید. بالاخره، اگر قرار شود، حتی در مصرف؛ نیز خانواده دچار سستی شود، یعنی افراد حتی نهار خود را در حکم غذای اصلی بیرون صرف کنند، دیگر، خانواده دچار انقباض کیفی شده است.

ه: آیا خانواده جدید، در پرتو امواج تجدد، به‌سوی تحرک‌پذیری بیشتر سوق می‌یابد؟

بیان پارسنز نیز همین بود. به نظر او، با انقباض تدریجی و ظهور خانواده هسته‌ای شاهد تحرک‌پذیری بی سابقه خانواده‌ها در تاریخ بشر خواهیم بود.

و: آیا در پرتو تجددگرایی، هرم قدرت در خانواده تغییری بنیادین می‌یابد؟

سوالی بسیار بنیادین است. قرن‌ها شاهد، پدرسالار در خانواده و مردسالار در جامعه بوده‌ایم. حالا، چنین نیست و نمی‌تواند چنین باشد. بنابراین، پرسش بنیادین پژوهش جایی که هرم قدرت در پرتو امواج

۲. (Individuation) منظور اصالت مفرد فردیت است. زمانی است که خانواده ایرانی از عصر سلطه مردسالاری بیرون آمده، در گرداب تفرد و با آن تمیزه شدن غرق می‌شود. در این شرایط خانواده شیرازه خود را از دست می‌دهد و تبدیل به یک سراب خواهد شد.

ساکنان خانه منتظر یکدیگر نمی‌مانند و هر کس منافع خاص خود را تعقیب می‌کند. سرانجام خانواده از واحدی منسجم به واحدی پراکنده و بی‌انسجام تبدیل می‌شود!

جدید تغییر است، شکستن هرم عمودی قدرت؛ بسیار مناسب است. لیک، باید دید، آیا «بیگانگی» پدرسالاری، با عصر تجدد، بمعنای پودر شدن و انفجار هرم قدرت در خانواده‌هاست؟ آیا انفجار هرم قدرت در خانواده، به بی‌هنجاری و بی‌کارکردی^۲ آن نخواهد انجامید؟ در هر حال، محقق می‌کوشد تا وضعیت هرم قدرت را در خانواده‌های ایرانی معاصر در پرتو امواج تجدد باز یابد.

ز: چند همسری، قرن‌ها با سنت‌های ایرانی عجین شده و در اسلام نیز راه یافته است، هر چند شارع آن شرایط سختی چون عدالت را برای آن قائل شده است، لیک، باید دید، تجدد، تا چه حد بر این پدیده تأثیر گذار است. برخی بر این باورند که که چند همسری هم زمان جای خود را به چند همسری ناهم‌زمان خواهد سپرد. یعنی یک نفر نمی‌تواند در یک آن چند زن اختیار کند، اما، با بسط طلاق و تعدد همسران در طول زمان در پایان زندگی شمار زنانی که به همسری برگزیده است از یک نفر فراتر می‌رود و بدان چند همسری ناهم‌زمان اطلاق می‌کنیم.

باز در همین زمینه پرسش بنیادین این است که چند همسری ناهم‌زمان به نفع مردان یا زنان هست؟ یعنی آیا چند زنی یا چند شوهری را فزونی می‌بخشد؟
ح: فرزندمداری

از مهم‌ترین پرسش‌های زمان ماست. زمانی چند؛ فرزندان بسیار بودند، ارزان و آسان به دست می‌آمدند و هرگز هزینه‌ای چشم‌گیر نداشتند. جامعه در پرورش انسان‌هایش؛ هزینه‌ای صرف نمی‌کرد. در همین راستا، فرزندان مطیع، فرمان‌بردار و حتی از نظر اقتصادی نیز کارا بودند. به محض توان، دهنه الاغ را بر می‌کشید و با بزرگ شدن سوار خیش می‌شد. حالا چنین نیست. شمار فرزندان اندک است.

- بسیار هزینه‌سازند.

- به‌طور بی‌سابقه‌ای در تاریخ، انتظارات بالا دارند.

- با معیار اطاعت و منقاد بودن نیز جواب نمی‌دهند.

سوال‌های بنیادین زمانه ما اینست؟

- آیا فرزندمداری در ایران امروز رواج یافته است؟

- آیا فرزندمداری امری مفید برای خانواده‌هاست؟

- اطلس جغرافیایی فرزندمداری در ایران معاصر چیست؟

ط: جایگاه زنان در خانواده

1. Anachronism

منظور دور از زمانه بودن و غربت تاریخی است. پدیده‌ای که بازمان خودیگانه است، امکان تداوم زندگی دارد.

2. Anomy

3. Afunctionality

به زعم بعضی؛ باید هزاره سوم را هزاره زنان خواند، ظهور زن در عرصه خانواده‌ها و همه جوامع چشم گیر است. آنان در همه عرصه‌ها ظاهر می‌شوند و در تصمیم گیری‌های هم شرکت می‌کنند. حتی زبان جامعه نیز در معرض تغییر است. دیگر از زن با عنوان ضعیفه کمتر سخن به میان می‌آید. حال، باید دید، ظهور و عروج تاریخی زنان در خانواده‌های ایرانی در پرتو تجدد، تا چه حد تحقق یافته است؟ و راه رفته چگونه می‌تواند؛ تداوم پذیرد.

اینان پرسش‌های بنیادین این کتاب‌اند. به درستی می‌توان گفت، محقق بر بالین خانواده ایرانی ظاهر شده و از خود می‌پرسد، در عصر نو، این خانواده چگونه تعریف می‌شود؟ و امواج نو چه تاثیری بر آن نهاده‌اند؟

سالمندان دو عصر نو با تعارضی خاص مواجه‌اند، از یکسو عمر آنان افزایش می‌یابد، از سوی دیگر جایی در خانه ندارند. در یک خانه ۶۰ یا ۵۰ متری؛ جایی برای بزرگتر نیست، حال، باید دید کدام سیاست می‌تواند، این فشر هر روز عظیم‌تر را بیرون آورد.

در فحوای تجدد، جامعه صنعتی، همجنس بازی را رسمیت بخشیده، رحم اجاره‌ای را باب کرده، هم‌پالینی را رواج داده، تکه‌فرزگی و در بسیاری از موارد، بی‌فرزندی و حتی تجرد قطعی را باب کرده است. هر محقق می‌خواهد بداند، آیا این شیوه‌ها در ایران امروز؛ جای دارند؟

در عصر نو، «طلاق جنسی»^۱ در پرتو لذت‌جویی^۲، «ماده گرایی»^۳ رواج یافته است. زنان در طول تاریخ ایران زمین، به‌خانه شوی می‌آمدند و مشکلات آن را نیز تحمل می‌کردند. امواج نو، بر پایه فلسفه تازه‌ای بنیاد شده، حیات را یک ودیعت می‌داند و بر آن است که هر فرد از آن تمتع جوید، حال، اگر در خانه‌ای، ارضای جنسی تحقق نیابد، تمسک به طلاق در ذهن جای می‌گیرد و در عمل؛ تجلی می‌پذیرد. باز هم هر محقق به دنبال شناسایی این پدیده اساسی است.

در پایان، پایمردی محقق توانا، کوشا و پر استقامت را تمجید می‌نمایم. بر حقانیت اثر تأکید می‌ورزیم و باز تکرار می‌نماییم: در دوران تجدد، با پیدایی تغییرات بنیادین، ژرف و تاریخی از خود می‌پرسیم، خانواده ایرانی کجاست؟ به کجا می‌رود؟ و از این طریق سرنوشت ایرانیان را جویا می‌شویم. توفیق سرکار خانم شکرپیگی را آرزو داریم.

دکتر محمد باقر ساروخانی

تهران، شهریورماه ۸۸

پیشگفتار

خانواده به مثابه مهم‌ترین نهاد اجتماعی، همواره در نظم، صلح، آرامش، تغییر و تحول قدرت‌های سیاسی در جامعه ایران اثرگذار بوده است؛ به عبارتی هر آنچه در جامعه می‌نماید؛ عقبه‌اش در تأثیرات خانواده بر تحولات عصر خود بوده و گاه خلوت‌گاه سیاسيون به حاشیه رانده، هنرمندان و انسان‌های بزرگی است که به گونه‌ای از اجتماع خود و قدرت حاکم سیلی خورده‌اند. بیش از دو دهه است که این میراث به جا مانده از نیاکان ما بر اساس نتایج تحقیق و اسناد اعلام شده از سوی مسئولان؛ دچار بحران‌هایی شده است، طلاق به بالاترین حد خود در سال‌های اخیر رسیده، تنش‌ها و ستیزه‌ها در روابط خانوادگی اوج گرفته و آسیب‌های دیگری که هر از گاهی سبب کسب سودآوری برای روزنامه‌نگارهای تاجرمنش بوده است. در بررسی علل مشکلات خانواده به مطالعه مسائل فراوانی پرداختیم که در میان علل تأثیر گذار؛ میزان مدرنیزاسیون خانواده‌های ایرانی از توجه ویژه‌ای برخوردار بودند. چراکه به نظر می‌رسید گذار خانواده‌ها از سنت به مدرن‌گرایی باعث این تحولات است و این مدرن‌گرایی بر روابط خانوادگی در سطوح کلان، میانه و خرد تأثیر گذار است. لذا برای مطالعه‌ای کمی، بررسی تغییر و تحولات نهاد خانواده را به عنوان پایان‌نامه‌ی خود برگزیدیم و سعی کردم به مطالعه نظام‌مند علل این دگرگونی در نهاد خانواده بپردازم، اما از آنجا که براساس نتایج تحقیقات پیشین به این نکته رسیده بودم که میزان اعتماد، هم‌بستگی، هم‌دلی و مشارکت در شبکه‌های اجتماعی دگرگون شده؛ لذا به سنجش ارتباط مدرنیته و سرمایه اجتماعی در این نهاد دیرپا پرداختیم.

درباره مدرنیته و پیامدهای آن بر جامعه ایران و بالطبع بر خانواده؛ گفتنی است:

تاریخ صدوپنجاه ساله ایران و خاورمیانه با وسوسه غرب، اندیشه مدرن و توجه به ناسیونالیسم عجین است و در این جوامع تغییراتی فرهنگی بر نهادهای اجتماعی به بار آورده که این تغییر به نوعی بر چگونگی سرمایه اجتماعی خانواده‌های ایرانی تأثیر گذار بوده است. سرمایه اجتماعی که از حضورش در حوزه جامعه‌شناسی عمر زیادی نمی‌گذرد، در بستری اجتماعی شکل گرفته و ساختارش را روابط اجتماعی به وجود می‌آورد. سرمایه اجتماعی، در کنار سرمایه انسانی و سرمایه مالی به مثابه یکی از عوامل مؤثر در تولید و عامل کاهش‌دهنده هزینه عمل می‌کند.

هدف از این پژوهش؛ مطالعه جامعه شناختی تجددگرایی و ارتباط آن با سرمایه اجتماعی خانواده ایرانی است، لذا مهم‌ترین سؤال پژوهش این است: تجددگرایی چه تأثیری بر سرمایه اجتماعی خانواده ایرانی به جا گذاشته است؟ البته عوامل داخلی و خارجی متعددی بر آن تأثیر

داشته که یکی از عوامل مهم بیرونی، نوگرایی و تجددگرایی خانواده‌ها و از مهم‌ترین عوامل داخلی، نقش دولت در چگونگی سرمایه اجتماعی خانواده‌هاست.

در بررسی هدف فوق؛ سه رویکرد نظری طراحی شد که عبارتند از: رویکرد تکاملی دیالکتیکی، رویکرد مرکز و پیرامون و رویکرد مدرن گرایی و بازاندیشی، که در قالب ترکیب نظری رویکرد دیالکتیکی، چارچوب پژوهش؛ متشکل از ذهنیت گرایی و عینیت گرایی رفتارها و روابط اجتماعی به وجود آمد و در این میان فرضیه‌هایی شکل گرفت. از روش پیمایشی، اسنادی در میدان تحقیق استفاده شد و برای تحلیل‌های آماری از لیزرل بهره گرفتیم.

نتایج به دست آمده، گواه بر میزان تجددگرایی خانواده‌های ایرانی است که متغیر «نگرش جنسیتی» در خانواده‌ها تأثیر را بیشترین داشته و تغییر «باورهای مذهبی» کمترین تأثیر را از تجددگرایی خانواده‌ها پذیرفته است.

بنابر نتایج به دست آمده، در گونه‌شناسی خانواده‌های تهرانی، به ترتیب گونه‌های سنتی، درحال گذار، مدرن و پست مدرن مشخص شده است، که گونه خانواده سنتی و پست مدرن با حراست از سرمایه اجتماعی خانواده ایرانی همراه بوده و گونه خانواده مدرن و درحال گذار با فرسایش سرمایه اجتماعی خانواده تهرانی مواجه بوده است که فرضیه‌های تحقیق اثبات شد.

در عین حال؛ نتایج به دست آمده نشان داد، بین میزان تجددگرایی و سرمایه اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد. این نتایج همچنین گویای تأثیر معکوس عملکرد دولت در خانواده‌های ایرانی بوده است؛ یعنی دولت با مشارکت و حضور خود در خانواده تهرانی، میزان تجددگرایی و سرمایه اجتماعی خانواده ایرانی را دچار کاهش و فرسایش ساخته است. به نظر می‌رسد که بر اساس نتایج تحقیق، تحولات خانواده در ایران بیشتر از آنچه که ناشی از تجددگرایی باشد، ناشی از عملکرد نادرست دولت در قبال خانواده‌ها و همچنین مشکلات اقتصادی آنهاست. گفتنی است که متغیرهای مقیاس تجددگرایی (برگرفته از رویکردهای نظری) عبارتند از: نگرش جنسیتی، فردگرایی، باورهای مذهبی، تأثیر رسانه‌ها، میزان اندیشه مدرن و همچنین سه متغیر اعتماد، شبکه‌ها و هنجارها برگرفته از تلفیق نظریات حوزه سرمایه اجتماعی صاحب نظران، در جهت مقیاس‌هایی برای سنجش سرمایه اجتماعی ساخته شد که در فصول مختلف تحقیق به بحث و بررسی گذاشته می‌شود.

در هر حال باید گفت در این راه، از لطف خداوند متعال و استادان گرانقدر و انسان‌های بزرگی چون «استادگرامی آقای دکتر محمد باقر ساروخانی و دکتر امیدعلی احمدی» که بی‌هیچ چشم‌داشتی مرا یاری کردند تا تحقیق را پیش ببرم، و سرکار خانم امیری مقدم به عنوان ویراستار سپاسگزارم و در پایان، هدف بر این بود که راهبردهای لازم در این زمینه را بر اساس نتایج عملی

پژوهش طراحی کنیم، در این راستا به راهبردهایی رسیدیم که در بخش پیشنهادات مشاهده می‌نمائید.

الهی؛

قطره‌ای دانش که بخشیدی ز پیش؛

متصل گردان به دریاهای خویش؛

و

از تلطف به من نما گل را

در حدیث اندر آر بلبل را

تا نوایی ز عشق تو آغازم

عراقی، ۳۳۶

عالیه شکریگی

تهران، خرداد ماه ۱۳۸۸